

ستاره

س

یوری آرونوویچ روبینچیک

فعل مرکب در زبان فارسی

ترجمه محسن شجاعی

با یادداشت‌های علی‌اشرف صادقی

فعل مرکّب در زبان فارسی

کتاب بهار ۵۸

دستور زبان فارسی ۶

سرشناسه:	روبینچیک، یوری آرونوویچ، ۱۹۲۳-۲۰۱۲ م.
عنوان و نام پدیدآور:	Rubinchik, IU. A. (Urii Aronovich)
مشخصات نشر:	فعل مرکب در زبان فارسی / یوری آرونوویچ روبینچیک؛ ترجمه محسن شجاعی؛ با یادداشت‌های علی‌اشرف صادقی. تهران: کتاب بهار، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری:	۸۸ ص.
شابک:	۹۷۸-۶۲۲-۷۰۶۷-۲۵-۵
وضعیت فهرست‌نویسی:	فیا
یادداشت:	کتاب حاضر ترجمه بخشی از کتاب "Основы фразеологии персидского языка" است.
یادداشت:	کتابنامه: ص. [۷۱] - ۷۶.
موضوع:	فارسی -- فعل‌های مرکب
موضوع:	Persian language -- Verb phrase
موضوع:	فارسی -- فعل
موضوع:	Persian language -- Verb
شناسه افزوده:	شجاعی، محسن، ۱۳۴۱-، مترجم
شناسه افزوده:	صادقی، علی‌اشرف، ۱۳۲۰-
رده‌بندی کنگره:	PIR2۷۸۳
رده‌بندی دیویی:	۴۵۵
شماره کتاب‌شناسی ملی:	۷۵۳۶۲۳۷
وضعیت رکورد:	فیا

یوری آرونوویچ روبینچیک
فعل مرکب در زبان فارسی

ترجمه محسن شجاعی

با یادداشت‌های
علی‌اشرف صادقی

ستار

تهران ۱۴۰۰

این کتاب ترجمه‌ای است از

فصل یکم از بخش سوم (صفحات ۱۱۴-۱۷۳) کتاب

Основы фразеологии персидского языка. Москва: Наука, 1981.

(مبانی ترکیب‌های ثابت در زبان فارسی. مسکو: نانوکا، ۱۹۸۱)

کتاب

کتاب بهار: لواسان، خیابان معلم، شماره ۳۷، طبقه زیر هم‌کف (تلفن: ۰۹۱۲ ۱۲۲ ۶۰۰۸)

فعل مرکب در زبان فارسی

تألیف یوری آرونوویچ روبینچیک

ترجمه محسن شجاعی

با یادداشت‌های علی‌اشرف صادقی

چاپ اول ۱۴۰۰

شمارگان ۳۳۰

صفحه‌آرا: مریم درخشان گلریز

طراح جلد: پاشا دارابی

چاپ و صحافی: پردیس دانش

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۰۶۷-۲۵-۵

همه حقوق چاپ و نشر این کتاب محفوظ و مخصوص کتاب بهار است

مراکز پخش: پیام امروز (۶۶ ۴۸ ۶۵ ۳۵)، صدای معاصر (۶۶ ۹۷ ۸۵ ۸۲)

۳۰۰۰۰ تومان

فهرست

پیش‌گفتار مترجم	هفت
مقدمه	۱
۱ تفاوت فعل مرکب با واژه‌ی مرکب	۳
۲ فعل مرکب به عنوان گونه‌ای از ترکیب‌های ثابت فعلی	۸
۳ فعل‌های مرکبی که بخش نامی آنها حرف اضافه ندارد	۱۴
۴ بخش نامی در فعل مرکب	۱۴
۱-۴ اسم‌هایی که در بخش نامی به کار می‌روند	۱۶
۲-۴ صفت و صفت فعلی در بخش نامی	۲۱
۳-۴ دیگر بخش‌های سخن در بخش نامی	۳۰
۴-۴ وام‌واژه‌های اروپای غربی در بخش نامی	۳۲
۵ بخش فعلی در فعل مرکب	۳۳
۱-۵ توصیف کلی فعل‌های همکرد و ساختار آنها	۳۳
۱-۱-۵ استفاده از برخی فعل‌های ساده در ترکیب‌های ثابت و آزاد	۳۶
۱-۱-۵ نقش همکرد در ویژگی‌های دستوری فعل مرکب	۴۶
۶ رده‌بندی ساختاری- معنایی فعل‌های مرکب	۴۸
۱-۶ فعل‌های مرکب الگودار	۴۹
۱-۱-۶ فعل‌های مرکب الگودار با معنای انگیزه	۵۰

- ۵۲ ۲-۱-۶ فعل‌های مرکبِ الگودار با معنای نیمه‌انگیخته.
- ۵۶ ۲-۶ فعل‌های مرکبِ بدون الگو.
- ۵۶ ۱-۲-۶ فعل‌های مرکبِ بدون الگو با معنای ناانگیخته.
- ۵۸ ۲-۲-۶ فعل‌های مرکبِ بدون الگو با معنای نیمه‌انگیخته.
- ۶۰ ۳-۲-۶ فعل‌های مرکبِ بدون الگو با معنای انگیخته.
- ۶۱ ۳-۶ فعل‌های مرکبی که بخش نامی آنها دارای حرف اضافه است.
- ۶۱ ۱-۳-۶ ترکیب اجزاء در فعل‌های مرکبِ دارای حرف اضافه.
- ۶۲ ۲-۳-۶ بخش نامی و حروف اضافه‌ی مرتبط با آن.
- ۶۵ ۳-۳-۶ همکرد در فعل‌های مرکبِ دارای حرف اضافه.
- ۶۶ ۴-۳-۶ رده‌شناسی ساختاری- معنایی در فعل‌های مرکبِ دارای حرف اضافه.
- ۶۷ ۱-۴-۳-۶ فعل‌های مرکبِ دارای حرف اضافه و الگودار.
- ۶۸ ۲-۴-۳-۶ فعل‌های مرکبِ دارای حرف اضافه و بدون الگو.
- ۶۸ ۱-۲-۴-۳-۶ فعل‌های مرکبِ دارای حرف اضافه، بدون الگو و دارای معنای ناانگیخته.
- ۶۹ ۲-۲-۴-۳-۶ فعل‌های مرکبِ دارای حرف اضافه، بدون الگو و با معنای نیمه‌انگیخته.
- ۶۹ ۳-۲-۴-۳-۶ فعل‌های مرکبِ دارای حرف اضافه، بدون الگو و با معنای انگیخته.
- ۷۰ ۵-۳-۶ رابطه‌ی میان فعل‌های مرکبِ دارای حرف اضافه و فعل‌های مرکبِ بدون حرف اضافه.
- ۷۳ منابع

پیش‌گفتار مترجم

فعل مرکب از پیچیده‌ترین پدیده‌های دستوری-واژگانی در زبان فارسی است. برخی از زبان‌شناسان و پژوهشگران زبان فارسی پیدایش آن را به تأثیر زبان عربی می‌دانند که باعث «ناز شدن دستگاه تصریفی افعال ساده‌ی زبان فارسی بوده است که در مثل به جای آموزاندن، تعلیم دادن؛ به جای خوراندن، تغذیه کردن... متداول شد» (کافی، ۱۳۷۵، ص. ۲۵۹). در این دیدگاه هرچند وجود افعال مرکب در دوره‌های پیشین زبان فارسی، مانند دوره‌ی میانه و در زبان پهلوی نادیده گرفته نشده و افعالی همچون «نیگاه کردن» و «ایاد کردن» به عنوان نمونه ذکر می‌گردد (باطنی، ۱۳۷۲، ص. ۲۲۸)، اما باز رواج گسترده‌ی این گونه فعل‌ها به دوران فارسی کهن (فارسی نو آغازین) منسوب شده و احتمال داده می‌شود که «از لحاظ تاریخی ساختن فعل از واژه‌های قرضی عربی، مانند «رحم کردن»، «بیان کردن» و غیره، اگر نه تنها علت لااقل یکی از علل عمده‌ی آن [رواج فعل‌های مرکب] بوده باشد» (همانجا). در مقابل دیدگاه دیگری وجود دارد که می‌پذیرد «گرایش ساختن افعال اسمی در این زبان [زبان پهلوی]... قدیم‌تر از گرایش استفاده از افعال ترکیبی بوده است» (صادقی، ۱۳۷۲، ص. ۲۳۹)، اما متروک شدن فعل‌های بسیط و رواج فعل‌های مرکب را گرایش طبیعی زبان دانسته و از این روزنده کردن فرایندی را که قرن‌ها است مرده است، ناممکن به‌شمار می‌آورد (همان، ص. ۲۴۴). نگارنده نیز در جست‌وجوهای خود درباره‌ی پیشینه و دیرینگی پدیده‌ی فعل مرکب در زبان فارسی مقاله‌ای از یک ایران‌شناس گرجی به نام مایا ساخوکیا را یافت که در آن نویسنده پیش‌نمونه‌های فعل مرکب را در برخی متن‌های فارسی باستان یافته و نشان داده است (ساخوکیا، ۲۰۱۳). وی در طول چندین سال تلاش نموده تا همه‌ی پیکره‌ی فارسی باستان را به زبان

گرجی ترجمه کند که در این باره مقالات متعددی نیز منتشر کرده است. البته مطلب یادشده از ساخوکیا درواقع چکیده‌ی گسترده‌ی یک صفحه‌ای به زبان انگلیسی از یک مقاله‌ی طولانی هجده صفحه‌ای به زبان گرجی است. همچنین گلوریا شین‌توک در مقاله‌ی خود نمونه‌هایی از فعل مرکب را در اوستایی نشان داده است (شین‌توک، ۱۳۶۳، ص. ۱۳۵). در این میان شاید جالب‌تر از همه بتوان مقاله‌ی کلودیا سیانکاگلینی را نام برد که با عنوان «شکل‌گیری فعل‌های گروهی در فارسی و زبان‌های همسایه‌ی آن» در جلد ۳۲ از مجموعه‌ی مقالاتی دربارهی ایران‌شناسی به چاپ رسیده است (نک. سیانکاگلینی، ۲۰۱۱). نویسنده‌ی مقاله در بحث از پیشینه‌ی فعل‌های مرکب که آنها را «فعل‌های گروهی» (periphrastic verbs) می‌نامد، از فارسی باستان و اوستایی نیز فراتر رفته و ردّ این‌گونه فعل‌ها را در زبان «هندوایرانی باستان» (Old Indo-Iranian language) پی می‌گیرد. وی از سوی دیگر فرضی را مطرح ساخته که برپایه‌ی آن رواج فعل مرکب در زبان‌های گروه آلتائی و سامی رایج در منطقه نیز به دلیل تأثیر زبان‌های ایرانی بوده است. البته می‌پذیرد که اثبات این مدّعا بسیار دشوار است. اما در زبان پهلوی (فارسی میانه‌ی ساسانی) نیز، همان‌گونه که پیشتر اشاره شد، گرایش به استفاده از گونه‌ای فعل مرکب دیده می‌شود، مانند «تگ کردن اَبر» tag kardan abar = حمله کردن به (مکنزی، ۱۳۷۳، ص. ۱۴۴).

به هر روی، سرشت پیچیده و روند ناتمام شکل‌گیری بسیاری از فعل‌های مرکب که به دشوارتر شدن توصیف آنها انجامیده است (طیب‌زاده، ۱۳۹۱، ص. ۸۱) باعث شده تا توصیف هم‌زمانی جای بحث‌های تاریخی را بگیرد و شمار فراوانی از ایران‌شناسان دربارهی این دسته از فعل‌های فارسی به پژوهش پردازند. یکی از مشروح‌ترین این پژوهش‌ها کتاب دستور گزاره‌های مرکب: ساخت‌های اسم- فعل نوشته‌ی پولت سمولیان است که مفصلاً در مجله‌ی دستور نقد و معرفی شده است (صفا، زندگی‌مقدم، ۱۳۹۲).

رویکردهای گوناگون به پدیده‌ی فعل مرکب از دیدگاه هم‌زمانی نیز در فرهنگ توصیفی دستور زبان فارسی (طباطبایی، ۱۳۹۵) به گونه‌ی مشروح توصیف شده است. این سه رویکرد در منبع یادشده همراه با مثال و نمونه شرح داده شده‌اند که عبارت‌اند از:

الف) رویکردی که برپایه‌ی آن فعل مرکب «به فعلی اطلاق می‌شود که از دو واژه‌ی مستقل ترکیب یافته است. واژه‌ی اول اسم یا صفت یا قید و واژه‌ی دوم فعل است». مطابق این رویکرد فعل در این ترکیب‌ها معنای اصلی خود را از دست می‌دهد یا معنی آن کمرنگ می‌شود و تنها نقش یک عنصر صرفی را بازی می‌کند (همان، ص. ۳۸۶)؛

ب) رویکردی که فعل‌های مرکب را به دو گروه «فعل‌های مرکب ترکیبی» و «فعل‌های مرکب انضمامی» تقسیم می‌کند (همان، ص. ۳۹۶)؛

پ) رویکردی که برپایه‌ی آن «در فارسی فعل مرکب وجود ندارد و آنچه را دیگران فعل مرکب به‌شمار می‌آورند، زنجیره‌ای است شامل متمم فعل و فعل» (همان، ص. ۳۹۹).

در میان ایران‌شناسان روسیه نیز فعل مرکب توجه بسیاری را به خود جلب نموده است. تقریباً در همه‌ی دستورهای زبان فارسی که در روسیه نوشته شده، بخشی به توصیف و تشریح این دسته از فعل‌ها اختصاص یافته است. به عنوان نمونه یوگنی برتلس در دستوری که در سال ۱۹۲۶ در لنینگراد منتشر نمود، شمار فراوانی از فعل‌های مرکب را برشمرده و به توصیف آنها پرداخته، هرچند وی فعل‌های پیشوندی را نیز در شمار فعل‌های مرکب آورده است (برتلس، ۱۹۲۶، ص. ۶۷-۶۸). در دستور دیگری که یک سال پس از این تاریخ در سال ۱۹۲۷ لی‌یف ژیرکوف در مسکو منتشر می‌کند، فعل‌های سازنده‌ی فعل مرکب را عمدتاً «کردن» و «شدن» معرفی کرده که آنها را «فعل‌های همگانی» می‌نامد (ژیرکوف، ۲۰۰۸، ص. ۷۸).

همین‌جا باید یادآوری کرد که بخش فعلی در فعل مرکب در آثار ایران‌شناسان روس عمدتاً *компонированный глагол* به معنای «فعل همراهی‌کننده» نامیده می‌شود. اما نگارنده در ترجمه‌ها و نوشته‌های خود همواره از اصطلاح «همکرد» استفاده می‌کند که در ایران رواج بیشتری دارد. در این باره شخصاً از استاد دکتر علی‌اشرف صادقی شنیده‌ام که مرحوم خانلری، که این واژه را بر ساخت، با وجود مخالفت‌های جدی، به‌ویژه از سوی زنده‌یاد دکتر احمد تقضلی، اصرار فراوانی در جا انداختن این اصطلاح داشت. وی می‌گفته کرد یعنی «فعل» و همکرد یعنی «هم‌فعل». خانلری به گمان دکتر صادقی در این باره تحت تأثیر واژه‌ی «سانسکریت» بوده است، زیرا واژه‌ی «سانسکریت» خود به معنای ترکیب و ترکیبی است. مرحوم خسرو فرشیدورد نیز این جزء را «فعل یاور» نامیده است (فرشیدورد، ۱۳۸۲، ص. ۴۱۳).

به هر روی دلیل ترجمه‌ی این مطلب اهمیت فعل مرکب است که نویسنده خود آن را به‌روشنی بیان کرده است: «در حال حاضر در مواردی که ضرورت بیان عمل، روند، یا حالتی در زبان پیش می‌آید، که پیش از آن دلالت واژگانی نداشته است، معمولاً فعل ساده یا پیشوندی تازه‌ای ساخته نمی‌شود، بلکه فعل مرکب ساخته می‌شود» (کتاب حاضر، ص. ۱۱).

از یوری روبینچیک پیش از این کتاب فرهنگ‌نویسی برای زبان فارسی ترجمه و منتشر شده که در آن تنها به تقسیم‌بندی فعل‌های مرکب پرداخته است (نک. روبینچیک، ۱۳۹۷، ص.

۱۵۸ و بعد). وی در کتاب مشهور خود، زبان فارسی معاصر (روبینچیک، ۱۹۶۰)، که به انگلیسی نیز ترجمه شده (روبینچیک، ۱۹۷۱a)، اندکی کمتر از دو صفحه (ص. ۷۸-۷۹) را به فعل مرکب اختصاص داده است. سپس در سال ۱۹۷۱ مقاله‌ای با همین مضمون و در چهارده صفحه منتشر کرد (روبینچیک، ۱۹۷۱b). او حتی در آخرین کتاب خود نیز تنها هفده صفحه را به این موضوع اختصاص داده است (روبینچیک، ۲۰۰۱، ص. ۲۱۶-۲۳۲). اما ترجمه‌ی مطلب زیر، که ترجمه‌ی فصل یکم از بخش سوم (صفحات ۱۱۴-۱۷۳) کتاب دیگر روبینچیک با عنوان مبانی ترکیب‌های ثابت در زبان فارسی (نک. روبینچیک، ۱۹۸۱) است و در آن فعل مرکب به‌گونه‌ی بسیار مشروح‌تری توصیف شده، بر ترجمه‌ی مطالب پیش‌گفته ترجیح داده شد. زیرا گمان می‌رود که متن حاضر همه‌ی آنچه را که نویسنده در نوشته‌های گوناگون و پرشمار خود درباره‌ی فعل مرکب در زبان فارسی بیان کرده بوده است، در خود داشته باشد.

مترجم یادآوری نکات زیر را ضروری می‌داند:

— مثال‌های متن اصلی که به خط روسی بوده‌اند، به خط فارسی برگردانده شده‌اند، به‌جز مواردی که برای نشان دادن جای تکیه به‌ناگزیر حرف‌نویسی لاتین اختیار شده است.

— معادل انگلیسی برخی اصطلاح‌هایی که یا بیشتر در آثار ایران‌شناسان روس به‌کار می‌روند، یا به هر روی ارائه‌ی معادل انگلیسی آنها در فهم متن سودمند دیده شد، در نخستین جایی که در متن آمده‌اند، در قلاب داده شده است.

— تصحیحات و افزوده‌های مترجم درون متن در قلاب آمده و در پانوشت‌ها با نشانه‌ی (مترجم) مشخص شده است.

— شیوه‌ی ارجاعات به‌دلیل ناروشنی و قدیمی‌بودن کاملاً دگرگون شد. اما از آنجا که در استاندارد روسی تدوین کتاب‌نامه آوردن نام ناشر رایج نبوده است، برخی منابع نویسنده، و از جمله، کتاب‌های فارسی مورد استفاده‌ی وی، بدون ذکر نام ناشر و حتی سال نشر در متن اصلی ثبت شده بود. در مورد این دسته‌ی اخیر ما نیز توانستیم نام ناشر یا سال نشر کتاب مورد استفاده را بیابیم.

— همچنین به دلیل پاراگراف‌بندی نه‌چندان مناسب متن اصلی، ترتیب مطالب، پاراگراف‌بندی و صفحه‌آرایی متن تا اندازه‌ی زیادی دگرگون شد و ترجمه‌ی فهرست مندرجات این بخش نیز با تغییراتی فراهم آمد تا به‌زعم مترجم فهم متن و دریافت ارتباط میان بخش‌های آن آسان‌تر شود.

— مترجم این ترجمه را نیز همچون ادای تکلیفی که استاد دکتر علی اشرف صادقی برعهده‌ی وی گذارده بود، به انجام رساند. یادداشت‌های ایشان بسیاری از نادرستی‌ها و ابهام‌های متن را برای خواننده روشن ساخته است. همچنین مطالعه‌ی دقیق این متن پیش از چاپ توسط ایشان از سهوها و خطاهای مترجم کاست. با این حال خطاها و کاستی‌های باقی‌مانده در متن ترجمه البته برعهده‌ی مترجم است. — از انتشارات «کتاب بهار» نیز باید سپاسگزاری کرد که در عمر نسبتاً کوتاه خود تبدیل به پشتیبانی بسیار مؤثر برای جامعه‌ی زبان‌شناسی ایران شده است.

محسن شجاعی

بهمن‌ماه ۱۳۹۹

مقدمه

ترکیب‌های ثابت فعلی دو عضوی در نوشته‌ها، کتاب‌های دستور و کتاب‌های درسی پر شمار زبان فارسی معمولاً فعل مرکب نامیده می‌شوند. این گروه از ترکیب‌های ثابت فعلی بیش از دیگر گروه‌ها از دیدگاه نظری بررسی شده است (آرندس، ۱۹۴۱: ۳۴-۳۹؛ فرولووا، ۱۹۵۳؛ پی‌سیکوف، ۱۹۵۹، ص. ۲۸۸-۲۹۰؛ فرولووا، ۱۹۶۲؛ خانلری، ۱۳۴۹، ص. ۲۳-۷۹) و همچنین بیش از هر گروه دیگری از ترکیب‌های ثابت واژگانی در فرهنگ‌های زبان فارسی بازتاب یافته است.

افعال مرکب بر پایه‌ی ویژگی‌های ترکیبی و دستوری خود تصویر بسیار رنگارنگی را نشان می‌دهند: آنها چه از نگاه پیوستگی نحوی اجزانشان و چه از نظر ویژگی واژگانی - دستوری این اجزاء نایک‌دست‌اند؛ این واحدها ضمن داشتن ویژگی‌های ترکیب‌های ثابت، هم‌زمان نشانه‌هایی از ساخت‌های تحلیلی [analytical structures] از خود نشان می‌دهند و برخی از انواع آنها به ترکیب‌های فعلی آزاد نزدیک‌اند.

یکی از دشواری‌های بزرگی که هنگام یادگیری زبان فارسی به‌ناچار باید با آن روبه‌رو شد، چگونگی فراگیری انواع گوناگون فعل مرکب است: به‌یادسپاری گونه‌های مختلف ترکیب نام [اسم و صفت] با فعل هم‌کرد و معناهای پرشماری که در این روند به‌وجود می‌آیند و نیز به‌یادسپاری ظرفیت فعل‌ها و ویژگی کاربرد انواع فعل مرکب به شکل ساخت گسسته^۱. متأسفانه در فرهنگ‌های

۱. منظور از «ساخت گسسته» که در نوشته‌های ایران‌شناسان روس «ساخت جداشدنی» نیز نامیده می‌شود، ساخت‌هایی است مانند: تسلیم کسی کردن در برابر تسلیم کردن؛ در دیدار با وزیر امور خارجه اعتبارنامه‌ی خود را تسلیم وی نمود؛ در دیدار با وزیر امور خارجه اعتبارنامه‌ی خود را تسلیم نمود. در ساخت نخست فعل مرکب تسلیم کردن با میان‌هشت ضمیر کسی درواقع «گسسته» شده است. نک. (روبینچیک، ۱۳۹۷، ص. ۱۲۲، پانویث ۳). - مترجم.

دوزبانه و یک‌زبانه‌ی موجود در زبان فارسی، فعل مرکب، گویا به بهانه‌ی روشن و مفهوم بودن معنای این دسته از ترکیب‌های ثابت فعلی، به‌گونه‌ی کامل نشان داده نشده است؛ همه‌ی همکردهایی که هنگام ساخت صورت‌های جایگزین در فعل مرکب می‌توانند به عنوان معادل همکرد موجود به‌کار روند نیز ارائه نشده‌اند و معمولاً به ظرفیت فعل‌ها هم اشاره‌ای نمی‌شود.

با وجود آن که فعل مرکب فارسی مدت‌ها است که ایران‌شناسان را به خود مشغول داشته، با این حال مسائل مربوط به ماهیت فعل مرکب، رابطه‌ی آن با واژه‌ی مرکب و ترکیب واژگانی، جایگاه آن در نظام زبان، یعنی در دستور و ترکیب‌شناسی و نیز ویژگی‌های ترکیبی [synthetic] و تحلیلی [analytic] آن به‌گونه‌ی نهایی حل و فصل نشده است.^۱ حل‌ناشدگی مسائل یادشده بررسی بیشتر این مقوله‌ی ترکیبی-دستوری را دشوار ساخته و مانعی است بر سر راه ارائه‌ی یک‌دست و صحیح فعل مرکب در فرهنگ‌های فارسی. برداشت‌های گوناگون از سرشت فعل مرکب به آن انجامیده است که در فرهنگ‌ها این فعل‌ها یا درون مدخل مربوط به بخش نامی [نک. صفحات بعدی] فعل مرکب می‌آیند (آنجا که فعل مرکب به عنوان یک ترکیب ثابت به‌شمار می‌آید) و یا در یک مدخل مستقل (آنجا که به فعل مرکب همچون یک واژه‌ی مرکب نگاه می‌شود).^۲

در دستورهای منتشرشده در ایران نیز ماهیت فعل مرکب یا کلاً بازشکافته نمی‌شود یا فعل مرکب را یک واژه‌ی مرکب به‌شمار می‌آورند. در این آثار معمولاً فعل‌های مرکب از فعل‌های پیشوندی جدا نمی‌شوند؛ توصیف آنها بسیار کلی است و محدود به تأیید یکپارچگی معنای بیان‌شده در فعل مرکب و اشاره به نقش وابسته‌ی بخش فعلی این افعال می‌شود. از میان این نوشته‌ها باید به‌ویژه به «ساختمان فعل» از پرویز ناتل خانلری اشاره شود (خانلری، ۱۳۴۹) که در سال ۱۹۷۰ به عنوان بخشی از کتاب چندجلدی وی تاریخ زبان فارسی منتشر شد. هرچند این اثر برپایه‌ی متون دوره‌ی آغازین تحوّل زبان فارسی (سده‌های ۹-۱۳ / ۷-۳ ه. ق.) نوشته شده است، می‌توان از روش

۱. مسئله‌ی بررسی ناکافی فعل مرکب در زبان‌های ایرانی را یولیا آوالیانی نیز مورد اشاره قرار داده است (آوالیانی، ۱۹۶۹).

۲. در فرهنگ‌های یک‌زبانه‌ی فارسی فعل مرکب چندان منطقی ارائه نشده است: فعل‌های مرکبی که بخش نامی آنها حرف اضافه ندارد، معمولاً به‌صورت مدخل‌های مستقل می‌آیند؛ فعل‌های مرکبی که پیش از بخش نامی خود دارای حرف اضافه هستند، هم درون مدخل [یکی از اجزاء خود] می‌آیند و هم به‌صورت مستقل. در فرهنگ محمد معین (معین، ۱۳۴۲-۱۳۵۲) ترکیب‌های فعلی دوعضوی بدون حرف اضافه به عنوان یک واحد واژگانی در نظر گرفته شده و از این رو همچون سرمدخل‌های مستقل ارائه می‌شوند؛ از سوی دیگر، فعل‌های مرکب دارای حرف اضافه بیشتر در مدخل بخش نامی خود گنجانده شده‌اند، اما می‌توان موارد بسیاری را نیز دید که این گونه ترکیب‌های ثابت به‌صورت یک مدخل مستقل در جای القاب خود و یا در نظر گرفتن حرف اضافه‌ی خود در فرهنگ آمده‌اند. این روش در ارائه‌ی فعل‌های مرکب در لغت‌نامه‌ی دهخدا دیده می‌شود (دهخدا، ۱۳۲۵-۱۳۴۴).

پژوهشی که در آن به کار گرفته شده و نتایجی که از واکاوی شمار فراوانی از متون به دست آمده، در بررسی انواع ساختاری فعل در زبان فارسی امروز استفاده کرد.

در نوشته‌ی یادشده توجه اصلی معطوف به توصیف فعل مرکب است که کلّ بخش سوم [از فصل «ساختمان فعل»] بدان اختصاص یافته و تقریباً نیمی از کتاب است [۴]. خانلری فعل مرکب را یک ترکیب واژگانی می‌داند که از دو جزء ساخته شده، جزء نخست اسم یا صفت است و جزء دوم فعل (خانلری، ۱۳۴۹، ص. ۲۳). متأسفانه نویسندگان چندان ژرف و مفصّل به پرسش‌های مهمی که درباره‌ی ماهیت فعل مرکب مطرح هستند، نمی‌پردازد، پرسش‌هایی مانند ارتباط میان فعل مرکب و واژه‌ی مرکب و ترکیب‌های ثابت، ساخت جدانشدنی و جدانشدنی اجزاء فعل مرکب [نک. پانوش شماره‌ی ۱، ص. ۱] و همچنین رابطه‌ی فعل مرکب با گزاره‌های ترکیبی^۱. عدم قطعیت رایج در تعریف این دسته از ترکیب‌های فعلی که در میان دستورنویسان ایرانی دیده می‌شود، گاه در این اثر نیز به چشم می‌خورد. مثلاً در ص. ۲۵ در ارتباط با فعل مرکب از اصطلاح «واژه‌ی مرکب» استفاده شده است. ناروشنی‌هایی از نوع دیگر نیز وجود دارد که مربوط به تعیین تعداد اجزای فعل مرکب و یا به کار رفتن برخی از فعل‌های ساده به عنوان فعل همکرد و مانند اینها است. برای پرداختن به ویژگی‌های ساختاری-معنایی این ترکیب‌ها، پیش از هر چیز به ویژگی‌های تمایزدهنده‌ی فعل مرکب از واژه‌ی مرکب اشاره می‌کنیم.

۱ تفاوت فعل مرکب با واژه‌ی مرکب

فعل مرکب، با وجود دارا بودن همه‌ی ویژگی‌های معنایی، ساخت‌واژی و نحوی فعل، واژه‌ی مرکب نیست، بلکه یک ترکیب فعلی است که میزان ثبات آن متفاوت بوده و اجزاء آن استقلال واژگانی خود را حفظ می‌کنند. تحلیل‌های گوناگون آوایی، واژگانی-ساخت‌واژی و نحوی ما را نسبت به این موضوع متقاعد می‌سازد.

۱) فعل مرکب از بخش نامی [اسم یا صفت] و بخش فعلی تشکیل می‌شود که در جمله (در ساخت جدانشدنی) یک زنجیره را تشکیل می‌دهند. هر بخش تکیه‌ی جداگانه‌ی خود را دارد و از بخش دیگر با درنگ کوتاهی جدا می‌شود. تکیه‌ی اصلی بر روی بخش نامی قرار می‌گیرد که حامل

۱. منظور گزاره‌هایی است که یا از نام (اسم و صفت) و فعل تشکیل شده‌اند، مانند *خواهرم معلم بود*، و یا از دو فعل که یکی وزن معنایی کمتری دارد و دیگری معنای اصلی کلّ ساخت را بیان می‌کند، مانند *می‌خواهد برود*، دارد *می‌آید*، شروع به خواندن کرد و مانند اینها. نک. (روزنتال، تلنکووا، ۱۹۷۶، مدخل‌های گزاره‌ی فعلی و گزاره‌ی نامی). — مترجم.